

بررسی میزان و نحوه رعایت حریم در معماری و شهرسازی از منظر فقه اسلامی شیعه

(نمونه موردی: محله «خان» یزد)*

** مینو قره‌بگلو

*** یحیی جمالی

چکیده

حریم و رعایت یا عدم رعایت آن در بسیاری از مقوله‌های جامعه امروزی، جزو دغدغه‌های اصلی افراد جامعه است. با توجه به نوع زندگی امروزی، حریم افراد در بسیاری از موارد در زندگی روزمره نقض شده و مسائل و مشکلاتی از جمله سلب آسایش و ایجاد مزاحمت برای افراد را به همراه دارد. دین اسلام نیز با توجه به جامعیت خود، در این مقوله احکامی دارد که در این تحقیق با هدف بررسی نحوه و میزان تحقق این احکام در معماری و شهرسازی ایران، به شناخت و دسته‌بندی احکام موجود و بررسی چگونگی تحقق احکام عملی مستخرج، در مقیاس محلی و در محدوده محله «خان» شهر یزد پرداخته شد. روش این پژوهش، توصیفی، تحلیلی و طبقه‌گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی است. نتایج تحقیق بیانگر مصادیق متعددی از رعایت حریم در ابعاد مختلف آن و در بستر مورد بررسی است که مواردی همچون عدم قرارگیری درب منازل روبه‌روی هم، کمترین میزان منافذ از کاربری‌های مسکونی به سوی معبر، درون‌نشستگی ورودی منازل نسبت به کوچه، هم‌ترازی ارتفاع مسجد با بافت اطراف محله، عقب‌نشستگی حجره‌های اطراف میدان خان نسبت به معبر اصلی، تفکیک حوزه سواره و پیاده در بیشتر نقاط محله، حفظ حریم آب با کمک انتقال آب از طریق قنات، عدم ازدحام در سطح محله حتی در بازارها و بازارچه‌ها و غیره، از این قبیل‌اند. همچنین میزان تحقق حریم از مجموع جهات نیز در سطح مطلوبی قرار دارد.

کلید واژه‌ها: حریم، فقه اسلامی، معماری قاجار، معماری اسلامی، محله خان یزد.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران/

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

*** کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران/

y.jamali@tabriziau.ac.ir

دین اسلام آخرین دین از ادیان الهی است و کامل‌ترین و جامع‌ترین برنامه را برای زندگی دنیوی و اخروی اراده می‌دهد. شناخت این برنامه‌ها برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی ضروری است. آسایش در زندگی دنیوی، از جمله اهداف جوامع مختلف بشری بوده و هست. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مقوله آسایش، چگونگی محیط زیستن انسان است که بر آرامش جسمی و روانی افراد مؤثر است. از مواردی که محیط زندگی بشر را بستر آرامش و آسایش و یا بی‌قراری و اضطراب می‌کند، مسئله رعایت حریم شخصی افراد است. هر فردی در هر محیطی نیازمند رعایت حریم شخصی خود است، خواه این محیط محل سکونت وی باشد و خواه اماکن عمومی. با توجه به جامعیت دین اسلام، انتظار می‌رود برای تحقق این امر نیز صاحب برنامه بوده و بتواند با فرامین خود، اسباب آسایش انسان را فراهم آورد.

در نگرش به معماری مطلوب اسلامی چند دیدگاه وجود دارد که عبارت‌اند از: رویکرد زمینه‌گرا، رویکرد تاریخی توصیفی، رویکرد فرمی و شکلی، رویکرد فقهی حقوقی، رویکرد فلسفی و رویکرد تمثیلی عرفانی، که شرح هر یک از آن‌ها در این پژوهش نمی‌گنجد. نگارندگان در تحقیق پیش رو با استفاده از رویکرد فقهی، حقوقی به دنبال یافتن احکام مورد نظر شریعت در خصوص حریم و نحوه و میزان تحقق آن‌ها در بستر محیط می‌باشد که علی‌رغم اهمیت این موضوع، در پژوهش‌های صورت پذیرفت، کمتر بدان پرداخته شده و ضعف در پژوهش‌های این حوزه مشهود است.

این پژوهش به دنبال پاسخ به دو سؤال می‌باشد:

- دستورات اسلام درباره حریم در حوزه معماری و شهرسازی چیست؟
- میزان و نحوه تحقق این دستورات در محله قاجاری مورد بررسی (محله خان شهر یزد) به چه ترتیب است؟

در گذشته مطالعاتی در حوزه معماری و شهرسازی از منظر شریعت صورت پذیرفته است. از جمله معماران و شهرسازان مسلمانی که در این حوزه فعالیت داشته‌اند می‌توان به بسیم سلیم حکیم (۱۳۸۱)، شهرساز تونسسی اشاره کرد که تلاش کرده با استخراج اصول معماری و شهرسازی شهرهای عربی، اسلامی آن را با طراحی شهرهای معاصر پیوند بزند.

از دیگر افرادی که در این حوزه تلاش قابل تأملی داشته می‌توان به هشام مرتضی (۱۳۸۷) اشاره کرد که با چاپ کتاب اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام به تفسیر آیات و روایات این حوزه و نمونه‌های تاریخی پرداخته است. از دیگر افراد مطرح در این حوزه می‌توان به گلزار حیدر و محمد عبدالستار عثمان اشاره کرد.

در ایران نیز مطالعات قابل توجهی در این خصوص صورت پذیرفته که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی اثر محمد منان رئیسی (۱۳۸۷)، کتاب سیمای مسکن و شهر اسلامی اثر محسن قرائتی (۱۳۹۳)، معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی، تألیف رحیم قربانی (۱۳۹۳)، مجموعه هفت جلدی فقه مدیریت شهری، اثر مصطفی دری و همکاران (۱۳۹۶)، دو کتاب شهر و معماری اسلامی (۱۳۸۷) و ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی (۱۳۸۶)، اثر محمد نقی‌زاده اشاره کرد که البته در مقایسه با افراد مذکور توجه وی به متون و فقه و تفسیر آن‌ها در زمینه معماری بسیار کمتر است.

از مشکلات و کمبودهایی که در مطالعات مذکور به چشم می‌خورد و مورد بحث نگارندگان با متفکرین فوق است می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. بی‌توجهی به روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام (از جانب متفکران غیر شیعه) که در نگاه تشیع، منبع لایزال علم الهی به شمار می‌روند و بعضاً استناد به احکام و نمونه‌هایی که از منظر اندیشمندان و علمای این حوزه، محکم و قابل اتکا نیست.
۲. پرداختن به اصول فقهی معماری و شهرسازی به صورت عام و گسترده است درحالی‌که این مباحث در هر مقوله‌ای دارای جزئیات بی‌شماری است که با این عام‌نگری، مغفول مانده‌اند، لذا با توجه به مطالب بیان شده، همچنین ارتباط تنگاتنگ حوزه معماری و شهرسازی با زندگی انسان که در عصر حاضر، هر روز رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرد و دستخوش تغییر و تحولات بسیاری می‌شود، نیاز به پژوهش در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود.

۱. مفاهیم

۱.۱. ۱. تعریف حریم

طبق تعریف فرهنگ لغت، «حریم» یعنی چیزی که لمس آن جایز نیست و مکانی که حمایت از آن واجب است. (معلوف، ۱۹۵۶م: ۱۳۰) این واژه در فرهنگ فارسی معین به معنای پیرامون و گرداگرد خانه آمده است. (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۹۰) در فرهنگ فارسی عمید به معنای آنچه حرام شده و مس آن جایز نباشد، ذکر شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۴۵۴) و در لغت‌نامه دهخدا، باز داشتن از... بی‌بهره گردانیدن از... چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان کرد، گرداگرد حوض و چاه، پیرامون، گرداگرد، و حوالی، معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۸۹۰۴)

بنابراین طبق تعاریف مذکور، «حریم» فضایی پیرامونی است که جزء ملک اصلی نیست و ملحق به آن است و وقتی برای چیزی حریم قائل می‌شوند پس دست‌درازی



به آن حریم، نامطلوب و دفاع از آن حریم لازم است. تعریف اصطلاحی حریم در فقه و حقوق نیز به تعاریف لغوی آن نزدیک است و به معنی مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد و بهره‌برداری کامل از آن ملک، منوط به تصرف آن زمین است. (نجفی، ۱۳۹۶، ج ۳۸: ۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۱۳)

۲.۱. تعریف «فقه»

در فرهنگ‌های لغات فارسی به معنای دانستن، علام بودن، فقیه بودن، علمی که از فروع عملی احکام شرع بحث کند (معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۱۸۶)، علم شناخت احکام شرع (عمید، ۱۳۸۹: ۷۹۹)، فهمیدن چیزی را، دانستن، دریافتن، زیرکی و علم احکام شرعی از روی ادله تفصیلیه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۷۱۹۲) به کار رفته است.

در فرهنگ المنجد نیز ذیل این واژه، همین معانی به کار رفته است. (معلوف، ۱۹۵۶: ۵۹۱) در اصطلاح نیز به معنای علم به احکام جزئی شرعی یا به دست آوردن و شناخت وظیفه عملی مکلف از منابع و ادله شرعی است. (مشکینی، ۱۴۳۴ق: ۴۲۷) در قرآن کریم نیز واژه فقه و مشتقات آن در آیات مختلفی به کار رفته است^۱ که هر یک در جایگاه خود به معنای فهم چیزهای دقیق یا مخفی، فهم و درک مطلق، بصیرت در دین و تعمق و فهم عمیق می‌باشند. در مجموع و منطبق بر تعاریف فوق، می‌توان گفت علم فقه عبارت است از علم پیدا کردن به احکام شرعی عملی از راه ادله تفصیلی.

۲. «حریم» در آیات و روایات

خداوند متعال در قرآن کریم درباره رعایت حریم در آیاتی از سوره نور می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾. (نور: ۲۷) در این آیه آمده است که جز با اجازه گرفتن، حق ورود به خانه کسی را ندارید. در آیه بعد نیز می‌فرماید:

﴿فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾. (نور: ۲۸)؛ و اگر چنین اجازه‌ای نگرفتید، بی‌درنگ بازگردید (حتی منتظر ماندن برای کسب اجازه نیز جایز شمرده نشده است) و از آن موضع دور شوید.

۱. ر. ک: اسراء: ۴۴؛ هود: ۹۱؛ انعام: ۶۵؛ توبه: ۱۲۲.



همچنین در این خصوص و در سوره حجرات آمده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾. (حجرات: ۱۲) و افراد را از جستجوگری در کار دیگران و تلاش برای افشاگری اسرار آنها نهی کرده است. از مجموع این آیات می‌توان چنین استنباط کرد که حریم شخصی هر فرد، از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند شکستن این حریم از جانب سایرین را حرام دانسته و ناظر بودن خود را بر شکنندگان این حریم گوشزد نموده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است اگر کسی لغزش‌ها و گناهی را که از مؤمنین با دو چشم خود دیده و یا با دو گوش خود شنیده باشد و برای دیگران بازگو کند او از مصادیق این آیه شریفه است که می‌فرماید: «آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند، در آخرت برایشان عذابی دردناک وجود دارد.»^۱ (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵۷)

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که درباره لغزش‌های مؤمنین تجسس نکنید، چون هر کس لغزش‌های برداران مؤمن خود را پی‌جویی کند، خداوند نیز لغزش‌های خود او را پی‌جویی خواهد کرد و او را بی‌آبرو و رسوا خواهد کرد هر چند که در درون خانه‌اش باشد. (همان، ج ۲: ۳۵۵)^۲

حضرت امیر علیه السلام در نامه معروف خود به مالک به عنوان حاکم مصر چنین می‌نویسد:

کم‌ارج‌ترین افراد نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به کشف و پخش عیوب و اسرار مردم حریص‌تر و بی‌باک‌ترند، برای اینکه نوعاً مردم دارای عیوبی هستند که حاکم برای پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است. پس هرگز درصدد کشف کردن آن لغزش‌هایی که پنهان از تو (پنهان از حکومت) صورت گرفته بر نیا؛ چون تو به عنوان حاکم مسلمین فقط مسئول پاک‌سازی جامعه از آلودگی‌های آشکار و ظاهری هستی. درباره لغزش‌های پنهان مردم، خداوند خود

۱. مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْ عَيْنَاهُ وَمَا سَمِعَتْ أُذُنَاهُ كَانَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾.

۲. لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ، وَمَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ.



داوری خواهد کرد، بنابراین تا آنجا که می‌توانی اسرار مردم را پنهان نگه‌دار تا خداوند نیز اسرار تو را از مردم پنهان نگه دارد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)^۱

مجموعه روایاتی که در این زمینه وجود دارد بیانگر آن است که از دیدگاه اسلام هرگز نباید حقوق افراد مسلمان با استراق سمع، تفتیش و تجسس و افشاگری مورد تعرض قرار گیرد و می‌بایست حریم شخصی هر فردی رعایت گردد.

۳. حریم در معماری و شهرسازی از نگاه فقه اسلامی شیعی

در راه بهره‌گیری از دستورات فقهی در باب رعایت حریم دو گونه از مفاهیم قابل ملاحظه است (نمودار ۱) که به شرح ذیل می‌باشند:

أ) مواردی که مستقیماً بدان پرداخته شده و حد معینی برای حریم تعیین شده است (گاهی نیز در مواردی مقدار معینی ذکر شده است، اما این مقدار در روایات مختلف، متفاوت است).

ب) مواردی که میزان خاصی برای رعایت حریم ذکر نشده است، که برای این موارد نیاز به استناد و ارجاع به قواعد کلی، از جمله قاعده لاضرار (ضرر دیدن و ضرر رساندن) و قاعده سبق (اولویت انتفاع) است.

در حوزه معماری و شهرسازی با عوامل گوناگونی هم چون مخاطب معماری، طبیعت، ابنیه و فضاهای شهری مواجه بوده که هر یک از این موارد مشتمل بر موارد متعددی هستند. در فقه اسلامی در مورد بخشی از این اجزا به صراحت سخن گفته شده و در بقیه موارد ارجاع به قواعد کلی راهگشا خواهد بود. از جمله مواردی که به صراحت از آن‌ها سخن به میان رفته است می‌توان به انسان، درخت، مسجد، خانه، مناره، دیوار و راه اشاره کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَىٰ مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ.



نمودار ۱: الگوی مفهومی تحقیق و اقسام حریم (منبع: نگارندگان)

در ادامه به بررسی تفصیلی هر یک از موارد فوق پرداخته خواهد شد:

۴. موارد حریم معین

۴.۱. حریم ابنیه

در این بخش به بررسی حریم ابنیه‌ای پرداخته خواهد شد که در متون فقهی، در خصوص آن‌ها مطالبی وجود دارد و عبارت‌اند از مسجد، مناره، خانه و دیوار.

۴.۱.۱. حریم مسجد و مناره

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: حریم مسجد از هر سمتی چهل ذراع (حدود ۲۰ متر) می‌باشد (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ج ۲: ۱۰۲)^۱، پس نباید اطراف مسجدی که ساخته می‌شود چیزی وجود داشته باشد. برای مثال ساختمان‌ها و راه‌ها نباید به مسجد چسبیده باشند و باید فاصله حداقلی ۲۰ متر به عنوان حریم مسجد لحاظ گردد.

احتمالاً دلیل تأکید بر این میزان حریم، شخصیت بارز مسجد است، که در صورت عدم رعایت حریم آن از ایفای نقش محوری آن در جامعه اسلامی کاسته می‌شود، همان

^۱ حریم المسجد اربعون ذراعاً من کل ناحیه.



بلایی که امروزه بر سر جوامع اسلامی آمده است. البته طبق قاعده، مسجد به فضایی اطلاق می‌شود که دقیقاً در وقف‌نامه مسجد، آن قسمت به عنوان مسجد لحاظ شده باشد و صیغه مسجد بر آن جاری شده باشد. بنابراین حیاط مسجد اگر صیغه مسجد بر آن جاری نشده باشد (که عمدتاً این گونه است) جزئی از مسجد نیست و خود می‌تواند نقش فضای حریمی برای مسجد را ایفا کند؛ در غیر این صورت می‌بایست حریم به صورت مجزا رعایت گردد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده هنگامی که قائم قیام کند هیچ مسجدی باقی نمی‌ماند که اشرافیتی داشته باشد مگر آنکه آن را ویران می‌کند و هم سطح و بدون اشراف قرار می‌دهد. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۵: ۴۲۶)^۱

روزی حضرت علی علیه السلام از کنار مناره‌ای می‌گذشتند؛ دستور به تخریب آن دادند و فرمودند: مناره باید هم ارتفاع با سطح مسجد باشد. (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ج ۱: ۲۳۹)^۲ دیدگاه علامه حلی درباره این روایت چنین است که شاید برای این بوده که مؤذن بر خانه‌های مردم مشرف نشود. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۲۳)

۲.۱.۴. حریم خانه و دیوار

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند حلال و حرامی نیافرید مگر آنکه برای آن حد و حدودی قرار داد، مثل حدود خانه من. آنچه که از راه و خیابان است برای همان است و آنچه از خانه است، پس آن برای همان خانه محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۱۷۵)^۳

بنابراین خانه نیز حریمی دارد که در خصوص چندوچون آن در ادامه بحث، مطالبی بیان خواهد شد.

مردی از انصار به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد که خانه‌ها او را احاطه کرده‌اند. حضرت به او فرمود با صدای بلند دعا کن تا خدا به تو توسعه دهد. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۵۲۶)^۱ این

۱. إذا قام القائم لم يبق مسجد على الأرض له شرف إلا هدمها و جعلها جماء.

۲. أن علياً عليه السلام مر على منارة طويلة فأمر بهدمها ثم قال لا ترفع المنارة إلا مع سطح المسجد.

۳. ما خلق الله خلأً و لا حراماً إلا و له حدود كحدود داري هذه ما كان من الطريق فهو من الطريق و ما كان من الدار فهو من الدار.



مطلب نشان دهنده آن است که کناف الدور (احاطه شدن خانه) مطلوب شرع نیست. گویی خانه وی راه نفس کشیدن ندارد، به این دلیل است که وقتی فرد به پیامبر ﷺ شکایت کرد، پیامبر شکایت وی را رد نکرد، اما به دلیل اینکه راه حل متعارفی هم وجود نداشت، حضرت فرمود دعا کن تا خدا گشایشی ایجاد کند. (اراکي، mohsenaraki.ir تاریخ انتشار ۱۳۹۴/۷/۹)

در خصوص حریم خانه، روایتی که به صورت مستقیم حد حریمی را به صورت کمی برای خانه تعریف کرده باشد، وجود ندارد (همچون مسجد که حد ۴۰ ذراعی به عنوان حریم آن معین شده است) و روایات موجود جنبه کیفی دارند، ولی با استناد به احادیث بیان شده در باب حد راه (که در بخش‌های بعدی به تفصیل بیان خواهد شد)، می‌توان میزان حداقلی برای فاصله میان دو خانه در دو سمت معبر منظور کرد که این میزان حداقل هفت ذراع (در شرایط خاص تا ۵ ذراع) است.

فتاوی‌ای نیز در این زمینه وجود دارد که به شرح زیر است:

- حریم خانه در زمین موات احداث شده، عبارت است از محل ریختن خاک، خاکستر، برفانداز، خاکروبه و آبراه‌های آن. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۱۳)

- حریم خانه عبارت است از محل ریختن خاک، زباله، خاکستر، محل ریزش آب، برفانداز، و مقدار زمینی که برای سهولت رفت‌وآمد نیاز دارد، از همان سوئی است که درب خانه واقع شده است. (موسوی الخمینی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۹۹)

در شرح تحریر الوسیله امام خمینی رحمته الله علیه آمده است که تشخیص حریم خانه امری است عرفی و ملاک آن نیاز به استفاده تام از آن و عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۱)

با توجه به آیات قرآن پیرامون نهی تجسس در امور دیگران، علی‌الخصوص اجازه گرفتن برای ورود به خانه و روایاتی از این دست، این امر بر انسان مترتب می‌شود که نوع معماری نیز باید به صورتی باشد که تا حد امکان مانع تجسس و از بین رفتن حریم صاحب خانه بشود. حال می‌تواند این حریم از نوع بصری باشد یا صوتی یا غیره.

۴. ۱. ۲. ۱. حریم بصری

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

۱. شَكَأَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنْ الدَّوْرَ قَدْ اكْتَفَنَتْهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ: إِرْفَعِ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ وَ سَلِّ اللَّهُ أَنْ يُوسِعَ عَلَيْكَ.



هر کس به خانه همسایه سرکشد و نظر بر زشتی مردی یا موی زنی کند یا چیزی از بدن وی را ببیند، بر خداوند سزاوار است که او را به دوزخ برد و با منافقین، آن‌هایی که در دنیا درصدد جستجوی عیوب مرم بودند، همدم سازد و از دنیا بیرون نرود تا اینکه خداوند او را رسوا سازد و در قیامت، زشتی یا عیوب او را در برابر مردم آشکار نماید. (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۳۶۷)^۱

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بخشی از حدیثی در باب حقوق همسایه نسبت به همسایه بیان فرمودند:

از کوچک‌ترین حقوق همسایه بر همسایه این است که... ساختمان و منزل خود را بلند بر او نسازد که به سبب اشرافی که به منزل او پیدا می‌کند موجب اذیت و آزار او شود... (همان، ج ۸: ۴۲۷)^۲

این روایات به علاوه آیات بیان شده، در بخش‌های پیشین در خصوص منع تجسس در خانه دیگران، به انضمام روایات دیگری که در این خصوص وجود دارد، همگی دال بر لزوم رعایت حریم بصری ابنیه مسکونی می‌باشند. حال نحوه رعایت این حریم می‌تواند در دو بُعد اشراف عمودی و اشراف افقی، قابل بررسی است.

بنا به نظر فقهای اسلامی برای جلوگیری از نقض حریم بصری باید عوامل در معرض دید قرار گرفتن فضای خانه را حذف کرد. (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴) محل قرارگیری درب‌های ورودی باید با رعایت اصل صیانت از زندگی خصوصی و عدم آسیب رسانی به حریم همسایگان تعیین شود. این درب‌ها نباید رودرروی هم باز شوند و همچنین باید در حالتی باشند که اگر کسی هم جلوی در ایستاده باشد نتواند مستقیماً به داخل دید داشته باشد.

در خیابان‌های باریک، وجود درب‌های روبه‌روی یکدیگر به طور کلی نفی شده و در معابر پهن نیز در صورت وجود رفت‌وآمد زیاد بلامانع است، اما در هر صورت نباید به داخل خانه دید مستقیم وجود داشته باشد. همچنین در مورد پنجره نیز روایاتی موجود است، مبنی بر اینکه نباید بر منازل دیگران مشرف باشد. (رئیس‌ی، ۱۳۹۷: ۹۴)

۱. مَنْ أَطْلَعَ فِي بَيْتٍ جَارَهُ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا، وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَ يُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ.

۲. ... وَ لَا يَسْتَطِيعُ عَلَيْهِ بِنَاءِ سَكْنَةٍ فَيُؤْذِيهِ بِإِشْرَافِهِ عَلَيْهِ...



برای این منظور پنجره طبقات فوقانی صرفاً کاربرد ورود نور و هوا را دارند و باید جلوی دید و اشرافیت آن‌ها را بر سایر خانه‌ها گرفت. پنجره‌های موجود در همکف نیز باید طوری طراحی شوند که از گزند دید عابرین مصون باشد. برای این منظور باید از سطح دید بالاتر قرار بگیرند. البته لازم به ذکر است که خود همین پنجره‌ها نیز در صورتی که برای خانه‌های روبه‌رو مزاحمت ایجاد کنند و به داخل آن‌ها دید داشته باشند به هیچ عنوان قابل قبول نخواهد بود و باز هم در صورت دید داشتن به خانه‌های روبه‌رو می‌بایست به طریقی جلوی دید آن به منازل روبه‌رو گرفته شود. ارتفاع منازل مسکونی نیز باید در حدی باشند که منشأ مزاحمت‌های بصری برای سایرین نشود. در رابطه با اجزاء مرتفع ساختمان نظیر بالکن و پشت بام، در صورتی که منشأ مزاحمت بصری باشند و از حصارهای بلند برخوردار نباشند، اصل بر جلوگیری از ساخت آن‌ها است.

در قرآن کریم و در آیاتی از سوره نور^۱ بر رعایت حریم خصوصی اعضای خانواده تأکید می‌شود و از آن‌ها می‌خواهد تا با پوشیدن لباس مناسب و رعایت نحوه برقراری ارتباط، حیا را رعایت کنند. این مسئله باید در طراحی‌های معماری نیز مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مکان‌هایی برای پذیرایی از غیر و هم در حوزه مکان‌های خصوصی.

اسلام پذیرایی از میهمان را امری پسندیده می‌داند، ولی در عین حال اختلاط بین میهمانان غریبه و زنان خانواده را جایز نمی‌شمارد. به همین منظور باید تمهیدات خاصی برای این امر اندیشیده شود تا مانع از دسترسی بصری و سمعی فضای میهمان به فضای خصوصی خانه بشود. در آیه ۵۸ سوره نور بر کسب اجازه برای ورود به حضور در فضای خصوصی در سه زمان از شبانه روز تأکید شده است و با توجه به این آیه رعایت حریم خصوصی اتاق‌های خواب و جداسازی آن‌ها از دیگر فضاهای خانه لازم است.

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید (بدانید که) بندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند (باید) شبانه روزی) سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند؛ یک‌بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن، که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شماست (اکثر برهنه یا در لباس کوتاه‌اید) و بعد از این سه بار اجازه، دیگر باکی بر شما و آن‌ها نیست که (بی‌دستور) با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند. خدا آیات را بر شما چنین روشن بیان می‌کند، و خدا (به کار بندگان) دانا و (به مصالح خلق) آگاه است و آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان (البته همه وقت) با اجازه وارد شوند خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند، و خدا (به صلاح بندگان) دانا و (در وضع تکلیف) محکم کار است (نور: ۵۸ و ۵۹)

۴.۱.۲.۲. حریم صوتی

با توجه به آیه ۳۶ سوره اسراء^۱ و ۱۲ سوره حجرات^۲ تجسس و استراق سمع امری مردود و فعلی است که انجام آن به شیاطین نسبت داده شده است.^۳ بر مبنای همین استدلال برای جلوگیری از انتقال صدای درون خانه به بیرون، باید اقدامات احتیاطی به عمل آید. جداره‌ها و کف‌سازی‌ها در معماری باید طوری تعبیه شوند که از نفوذ صدای داخل خانه به بیرون از خانه جلوگیری کند. بین علما در رابطه با بازشوها و تأثیر آن در انتقال صدا به بیرون اختلاف است و برخی آن را جایز و برخی دیگر ناشایست می‌شمارند. علاوه بر موارد ذکر شده پیرامون رعایت حریم صوتی، نوع سازماندهی فضایی نیز در این امر بسیار تأثیرگذار است، همچنین نوع مصالح مورد استفاده نیز از عوامل بسیار مهم پیرامون این موضوع هستند. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۳۵)

محقق حلی در خصوص حریم دیوار بیان می‌دارد که حریم دیوار در زمین مباح، مقدار زمینی است که صاحب دیوار برای ریختن خاک و مصالح ساختمانی، هنگام که دیوار خراب شود و نیاز به ترمیم داشته باشد، به آن احتیاج دارد. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۸۷)

۴.۱.۳. حریم مخاطب معماری

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «حریم مؤمن در تابستان به اندازه یک باع (معادل دو وجب) است.» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ج ۲: ۱۰۲)^۴ البته که این میزان در زمستان کمتر خواهد بود. از این روایت بر ما مترتب می‌شود که هیچ فضایی و هیچ مسیری نباید به قدری کوچک منظور شود که حداقل حریم مورد نیاز بین استفاده‌کنندگان از آن فضا شکسته شود. برای مثال یک معبر نباید به قدری کوچک باشد که اگر دو نفر بخواهند از آن عبور کنند، به حریمشان تعدی شود، یا اگر قرار است فضایی برای تعداد مشخصی از افراد طراحی شود به این قضیه توجه شود که در طراحی ابعاد این فضا باید میزان حریم مورد نیاز هر فرد نیز لحاظ گردد.

۱. و(ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئول‌اند.
 ۲. ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز(از حال درونی هم) تجسس مکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید، هیچ یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید(پس بدانید که مثل غیبت مؤمن به حقیقت همین است) و از خدا پروا کنید، که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است.
 ۳. لیکن هر شیطانی برای سرقت سمع(یعنی برای دزدیدن و دریافتن سخن فرشتگان عالم بالا) به آسمان نزدیک شود تیر شهاب و شعله آسمانی او را تعقیب کند.(حجر: ۱۸)
 ۴. حَرِیمُ الْمُؤْمِنِ فِی الصَّیْفِ بَاع.

۴. ۱. ۴. حریم طبیعت

برای حریم درخت روایات متعددی وجود دارد که مورد اتفاق همگانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: حریم هر نخل طول شاخه آن است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۱۳۵۶)^۱ مطابق این روایت اگر کسی مالک درختی است، مالک شاخه‌های آن درخت نیز هست و زمینی که توسط شاخه‌ها احاطه شده‌اند نیز ملک آن شخص است. حریم درخت کاشته شده در زمین موات، در صورت موات بودن اطراف آن، مقداری است که ریشه و شاخه درخت آن را پوشش داده یا زمینه سرایت و پوشش دارد؛ بنابراین این، دیگری حق احیای این محدوده را با کاشتن درخت ندارد. (نجفی، ۱۳۹۶، ج ۳۸: ۵۲) بنا بر روایت مذکور، حریم مالکیت نخل تبعی است و مانند تبعیت یک خانه است که همان مقدار را دارد. بنا بر این اگر کسی ملکی خرید، شخص دیگری نمی‌تواند زیرزمین وی را بکند و انبار درست کند، زیرا زیر زمین یک ملک نیز برای مالکیت آن ثابت است و تبع ملک است.

۴. ۱. ۵. حریم فضای شهری

امام صادق علیه السلام فرمودند: راهی که مورد اختلاف اهالی است، هفت زراع حد است. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۵: ۴۲۶)^۲ مقصود از طریق در روایت مذکور، راه کوچه‌ای است. مُشاح به طریق این‌گونه است که زمینی وجود دارد که نصف آن را فردی و نیم دیگر آن را شخصی دیگر خریداری کرده و هر یک قصد دارند در زمین خود ساختمانی بنا کنند و در بین آن‌ها راهی برای تردد ایجاد کنند، در اینجا بحث مشاح است که هر کدام چقدر از ملک خود را خالی بگذارند؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل است هنگامی که قومی بر سر راه باهم اختلاف پیدا کردند، بعضی از آن‌ها گفتند مقدار آن هفت زراع و برخی دیگر گفتند مقدار آن چهار زراع است. امام صادق علیه السلام فرمود: خیر پنج زراع است. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۱۳۰)^۳ حال این سؤال پیش می‌آید که این دو روایت در میزان حریم با هم اختلاف دارند و هر دو روایت هم موثق هستند. حال تکلیف چیست؟ در روایت نخست یکی از طرفین دعوا بر روی مقداری کمتر از هفت زراع پافشاری دارد. با این فرض و به شرط عدم

۱. حَرِيمُ النَّخْلِ طَوْلٌ سَفْفَهَا.

۲. وَ الطَّرِيقُ يَتَشَاحُ عَلَيْهِ أَهْلُهُ فَحَدَّهُ سَبْعَةُ أذْرَعٍ.

۳. إِذَا تَشَاحَ قَوْمٌ فِي طَّرِيقٍ فَقَالَ بَعْضُهُمْ سَبْعُ أذْرَعٍ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ أَرْبَعُ أذْرَعٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: خَمْسُ أذْرَعٍ.





رضایت طرفین، حریم پنج زرع تعیین می‌شود، در غیر این صورت حداقل حریم همان هفت زراع است. در هر صورت لازم است که میزان حداقلی، برای حداقل راه‌ها رعایت شود و کمتر از آن به هیچ وجه جایز نیست. برای مثال هیچ معبری کوچک‌تر از پنج زراع پذیرفته نیست.

بدیهی است که راه‌ها، جزو استثنائاتی هستند که به ملکیت فردی در نمی‌آیند و نظر اسلام در این خصوص واضح است. بنابراین ساخت بنا یا انداختن قسمتی از بنا مانند بالکن و تراس و یا هر چیز دیگری در راه عمومی، مخالف نظر شریعت است و حکومت می‌باید از آن جلوگیری کند، همان طور که یکی از کارهایی که امام زمان علیه السلام بعد از ظهورشان انجام خواهند داد همین است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «... هنگامی که قائم قیام کند... راه‌ها را بزرگ می‌کند و هر چیزی که به راه باز شده باشد ویران می‌کند و راه ناودان‌ها و دستشویی‌هایی که به راه باز شده را مسدود می‌کند». (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۵: ۴۲۶)^۱

«سبیل» و «طریق» نیز همچون «سوقم و حتی بیشتر از آن ماهیتی غیر ثابت (گذرا) دارند. در متون دینی، تعرض به این حالت و تغییر آن، ناپسند شمرده شده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

هر شارع و راهی که مردم در آن رفت و آمد می‌کنند (غیر از راه متروکه)، خواه جاده داشته باشد خواه نداشته باشد، جایز نیست که در آن نماز گزارند. پرسیدند در کجا نماز گزارند؟ فرمودند در سمت راست یا چپ شارع. (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۱:

۲۴۳)^۲

بنابراین می‌باید از بهره برداری از معبر عمومی در راستای استفاده شخصی خودداری کرد و حتی المقدور، علاوه مقادیر ذکر شده در روایات، بهتر است حریم مجزایی هم برای راه در نظر گرفت.

۱. إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ... وَ وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَ أَبْطَلَ الْكُنْفَ وَ الْمَتَابِيزَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ ...

۲. كُلُّ طَرِيقٍ يُوطَأُ وَ يُطَرَّقُ كَانَتْ فِيهِ جَادَةٌ أَوْ لَمْ تَكُنْ لَا يَنْبَغِي الصَّلَاةُ فِيهِ قَبْلَ فَأْتِنِ يُصَلِّيَ قَالَ بَعَثَهُ وَ يَسْرَةً.

۴.۲. موارد حریم نامعین

۴.۲.۱. قاعده «لاضرر»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۶: ۴۱۸) در دین اسلام نه می شود به خود ضرر وارد نمود و نه به دیگران ضرر وارد ساخت.

از امام حسن عسکری علیه السلام سؤال شد که فردی در دهی قناتی دارد، شخص دیگری می خواهد قناتی در آن ده احداث کند، فاصله آنها باید چقدر باشد؟ حضرت فرمودند فاصله باید به حدی باشد که ضرری به قنات نخست نرسد. (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ج ۳: ۲۳۸) از امام صادق علیه السلام در مورد گروهی پرسیدند که در زمینی دارای نهرهایی بودند و نزدیک به هم قرار گرفته بودند؛ یکی از آنها تصمیم گرفته که نهر خود را از جایی که آن نهر و چند نهر دیگر قرار داشته پایین تر ببرد و با این کار به نهرهای دیگر زیان می رسد (و خراب می شوند) و البته برخی نیز به جهت سختی آن بخش از زمین، خسارت نمی بینند. آن حضرت فرمود: آنهایی که در زمین محکم و سخت باشند، اشکالی ندارد، ولی آنهایی که در زمین سست و شن زار باشند جایز نیست و موجب زیان است. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۵: ۴۳۰)^۲

از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال شد مردی به کوهستان رفته و قناتی حفر می کند که بر اثر آن، آب قناتی که قبلاً توسط شخص دیگری حفر شده کم می شود، تکلیف آنان چیست؟ حضرت فرمود: هر شبی به نوبت، آب یک چاه را اندازه می گیرند، تا

رساله جامع علوم انسانی

۱. رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ رَحَى عَلَى نَهْرٍ قَرِيبَةٍ وَ الْقَرِيبَةُ لِرَجُلٍ أَوْ لِرَجُلَيْنِ فَأَرَادَ صَاحِبُ الْقَرِيبَةِ أَنْ يَسُوقَ الْمَاءَ إِلَى قَرِيبَتِهِ فِي غَيْرِ هَذَا النَّهْرِ الَّتِي عَلَيْهِ هَذِهِ الرَّحَى وَ يُعْطَلُ هَذِهِ الرَّحَى أَلَمْ يَكُنْ لَمْ لَا فَوْقَ عَالِيَةَ يَتَّقَى اللَّهُ وَ يَعْمَلُ فِي ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يُضَارُّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ وَ فِي رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ قَنَاةٌ فِي قَرِيبَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ آخَرَ أَنْ يَحْفِرَ قَنَاةً أُخْرَى فَوْقَهَا. فَمَا يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي الْبُعْدِ حَتَّى لَا يُضِرَّ بِالْآخِرَى فِي أَرْضٍ إِذَا كَانَتْ صَعْبَةً أَوْ رَخْوَةً فَوْقَ عَالِيَةَ عَلَى حَسَبِ أَنْ لَا يُضِرُّ أَحَدُهُمَا بِالْآخِرِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

۲. سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ كَانَتْ لَهُمْ عُيُونٌ فِي أَرْضٍ قَرِيبَةٍ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ فَأَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَجْعَلَ عَيْنَهُ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِهَا أَلَيْ كَانَتْ عَلَيْهِ وَ بَعْضُ الْعُيُونِ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أضرَّ بِالْبَقِيَّةِ مِنَ الْعُيُونِ وَ بَعْضٌ لَا يُضِرُّ مِنْ شِدَّةِ الْأَرْضِ قَالَ فَقَالَ مَا كَانَ فِي مَكَانٍ شَدِيدٍ فَلَا يُضِرُّ وَ مَا كَانَ فِي أَرْضٍ رَخْوَةٍ بَطْحَاءً فَإِنَّهُ يُضِرُّ وَ إِنْ عَرَضَ عَلَى جَارِهِ أَنْ يَضَعُ عَيْنَهُ كَمَا وَضَعَهَا وَ هُوَ عَلَى مَقْدَارٍ وَاحِدٍ قَالَ إِنْ تَرَضَيْتَا فَلَا يُضِرُّ وَ قَالَ يَكُونُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ أَلْفُ ذِرَاعٍ.





دانسته شود کدام چاه به دیگری خسارت زده است. اگر معلوم شد که قنات دومی به اولی خسارت وارد کرده، باید آن را پُر کنند. (همان: ۴۳۳-۴۳۲)^۱

ضرر دیدن یا ضرر رساندن در بستر شهر می‌تواند در قالب ارتباط بین انسان‌ها با یکدیگر، ارتباط بین انسان و محیط زیست و ارتباط بین انسان با سایر موجودات زنده بررسی شود.

در خصوص ارتباط بین انسان‌ها با یکدیگر علاوه بر مواردی که در بخش‌های پیشین بیان شد و طبیعتاً نقض هر یک از آن‌ها موجب ضرر دیدن یا ضرر رساندن خواهد شد، موارد دیگری نیز هستند که در این بخش قابل ذکر است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾. (لقمان: ۱۹)^۲ اصوات بلند یکی از آن موارد است. به همین سبب طراحی محیط باید به گونه‌ای باشد که بتواند از میزان بلندی صدا بکاهد. این امر می‌تواند از طریق کنترل بازشوها، نحوه سازماندهی فضایی (به دلیل امکان قرارگیری موانع مختلف بر سر راه انتقال اصوات)، استفاده از مصالح با ضریب انتقال صوت مناسب تحقق پیدا کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ملعون است کسی که راه عبور و مرور مردم را ببندد». (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۶)^۳ در این خصوص برای جلوگیری از ازدحام و ایجاد سد معبر، ابعاد مناسب فضا نسبت به میزان بهره‌برداران، کنترل تعداد ورودی و خروجی‌ها و موقعیت قرارگیری و ابعاد آن‌ها و کاهش و کنترل تراکم افراد حاضر در فضا، می‌تواند راهگشا باشد.

منطبق بر آیه ۳۸ و ۵۹ سوره انعام،^۴ عناصر و موجودات در طبیعت هم‌زیستان ما در این جهان هستند و بایستی با آن‌ها همچون انسان‌ها برخورد کرد و نباید آسیبی به آن‌ها رسانید. (مرتضی، ۱۳۸۷: ۸۳) بنابراین هر یک از عناصر طبیعی پیرامون ما نیز در

۱. عَنْ رَجُلٍ أَمَى جَبَلًا فَسَقَّ فِيهِ قَنَاءٌ، جَرَى مَاؤُهَا سَنَةً ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا أَمَى ذَلِكَ الْجَبَلَ فَسَقَّ مِنْهُ قَنَاءٌ أُخْرَى فَذَهَبَتْ قَنَاءُ الْأَخْرِ بِمَاءِ قَنَاءِ الْأَوَّلِ، فَقَالَ: يَتَقَالَسَانِ بِحَقَائِبِ الْبُرِّ لَيْلَةَ لَيْلَةٍ، فَيُنْظَرُ أُيْتُهُمَا أُخْرَتْ بِصَاحِبَتَيْهَا، فَإِنَّ رَبِيئَةَ الْأَخِيرَةَ أُخْرَتْ بِأُتُولَى فَلْتَوَزَّرَ، وَإِنْ كَانَتْ الْأُتُولَى أَخَذَتْ مَاءَ الْأَخِيرَةِ لَمْ يَكُنْ لِصَاحِبِ الْأَخِيرَةِ عَلَى الْأَوَّلِ سَبِيلٌ.

۲. در رفتار میان روی اختیار کن و سخن آرام گو (نه با فریاد بلند) که زشت‌ترین صداها صوت الاغ است.

۳. ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ الْمُنْعَوُطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُنْتَابَ وَسَادَ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ.

۴. ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلا أَمٌّ أَمْنَاكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾. (انعام: ۳۸)

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُهَا إِلا هُوَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلا يَعْلَمُهَا وَلا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلا رَطْبٍ وَلا يَابِسٍ إِلا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾. (انعام: ۵۹)



محیط شهری دارای حریم خاصی خود هستند و این حریم به مقداری است که از آسیب رساندن به آن‌ها و تخریب آن‌ها جلوگیری شود. برای مثال آب که عنصر حیاتی برای ادامه حیات بشر است باید از آلودگی‌ها مصون بماند. برای مثال نباید در حاشیه رودها و جویبارها، عناصر مختل کننده‌ای برای آن‌ها وجود داشته باشد برای سایر عناصر موجود در طبیعت نیز این امر صادق است.

۲.۲.۴. قاعده «سبق»

مفهوم این قاعده این است که هر کسی نسبت به اشیایی که ملکیت در آن‌ها قرار داده نشده است از سایرین پیشی بگیرد یا نسبت به اشیایی که منافع مشترک دارند مثل راه و مکان نشستن در مسجد و اماکن عمومی و... از دیگران سبقت بگیرد، او نسبت به دیگران در مورد این شیء اجمالاً حقی پیدا می‌کند و کسی حق ندارد برای او مزاحمت ایجاد کند مگر آنکه خودش از آن چیز دست بردارد یا فاصله‌ای ایجاد شود که حقش را زایل می‌کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۲۲۲)

حضرت امام صادق علیه السلام نیز در این خصوص فرمودند که حضرت علی علیه السلام فرمود: «پس هر کس به مکانی که از آن پیشی گرفت، او سزاوارتر است بدانجا تا شب» و فرمود: آن حضرت از دکان‌های بازار، کرایه از مردم نمی‌گرفت. (ابن بابویه، ۱۴۳۷، ج ۳: ۱۹۹)^۱ پس فردی که در استفاده از اشیاء یا اماکن بر سایرین پیشی می‌گیرد، نیاز به حریمی دارد که شکسته شدن آن، موجب سلب آسایش وی خواهد شد. بنابراین لازم است چه در پهنه معابر و چه در مکان‌های نشستن و غیره، میزان حریم هر فرد (که در بخش حریم مخاطب در خصوص آن صحبت شد) رعایت شود؛ البته بدیهی است که این قاعده در بررسی مصادیق محیطی، نسبت به قاعده لاضرار، کاربرد کمتری دارد و امری است که تا حد زیادی از حیطة اختیار طراح محیطی خارج است و به نحوه تعامل میان انسان‌ها بستگی دارد، لیکن بیان آن در این جایگاه نیز به جهت اهمیت آن ضروری بود.

۱. سَوَقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ.

۱. هر «نوع» «انواع» مسائل اندازه گشادگی هر دو دسته برابر چهار نوع

ردیف	موضوع	موضوع	موضوع	موضوع	موضوع	موضوع	موضوع	موضوع	موضوع
۱	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۲	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۳	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۴	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۵	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۶	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۷	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۸	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۹	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک
۱۰	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک	مجموعه‌های صفر و یک

نوع دیگر از این نوع مسائل، مسئله‌های مربوط به ترکیب و تفریق است.

۵. روش پژوهش

این پژوهش کاربردی، با روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از رویکرد کیفی، به شناخت و بررسی مفهوم حریم از منظر تعالیم اسلامی پرداخته و میزان تحقق آن مفهوم را در وسعت یک محله مورد بررسی قرار خواهد داد. در این راستا، نخست با بررسی منابع کتابخانه‌ای، مفهوم حریم و اقسام آن از نگاه تعالیم اسلام بررسی شد، سپس با آزمودن این اصول در سطح محله منتخب، میزان و نحوه تحقق آن‌ها در بستر محله معین خواهد شد.

۶. معرفی محدوده مورد مطالعه؛ میدان «خان» تا خانه «مرتاض» یزد

به دلیل هدف این پژوهش، مبنی بر سنجش معیارهای حریم در یکی از محلات تاریخی، برای دستیابی به نتیجه موجه‌تر لازم بود محله تاریخی انتخاب شده تمام اجزایش متعلق به گذشته باشد و حتی‌الامکان کمترین میزان تغییرات را داشته باشد، تا نتایج مستخرج قابل اتکا باشند. بر همین اساس با جستجوهای فراوان محدوده میدان خان یزد به عنوان نمونه تاریخی که متعلق به دوره قاجار است انتخاب شد.

مجموعه خان یزد، شامل بازار خان، حمام خان، میدان و مدرسه خان می‌باشد و قدمت این مجموعه به دوره قاجار بازمی‌گردد. این مجموعه با قرارگیری در بافت تاریخی شهر، معماری سنتی و زیبایی را به نمایش گذاشته و بسیاری از بخش‌های آن مانند بازارها، همچنان فعال و پررفت‌وآمد می‌باشد.

مجموعه بازار خان یزد، از چند راسته تشکیل شده و بازارها و تیمچه‌های زیادی دارد که هرکدام از آن‌ها به نام خاصی، معروف هستند، اما عموم مردم، همه این بازارها را تحت عنوان «بازار خان» می‌شناسند. در چهار سوی میدان خان، مغازه‌هایی با سایه‌بان‌هایی قدیمی و سردرب‌های هلالی واقع شده‌اند و در ضلع شمال شرقی میدان نیز مدرسه شفیعیه به چشم می‌خورد. مسجد ملا اسماعیل و مصالای یزد نیز به فاصله اندکی از این میدان و در سمت غربی و جنوب شرقی آن قرار دارند (جدول ۲)



جدول ۲: تصاویر مربوط به مجموعه خان یزد (مأخذ: نگارندگان)

۷. بحث و یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی اصول بیان شده در خصوص حریم، در قالب مؤلفه‌های محیطی پرداخته خواهد شد. بدیهی است که در خصوص هر مؤلفه، سنجه‌های معین و نامعین حریم، به صورت توأمان مورد بررسی قرار خواهند گرفت، چرا که این مؤلفه‌ها می‌بایست قادر به تأمین هم‌زمان هر دو نوع سنجه باشند و نگرش تفکیکی (یا این یا آن) نسبت به موارد حریم معین و نامعین در بستر صحیح نمی‌باشد.

سیر حرکت نگارندگان در این محله، از خانه مرتاض یزد آغاز شد و با گذر از معابر و بازارچه‌ها به مسجد ملا اسماعیل رسیدند و پس از آن به سمت میدان خان یزد رفتند. موارد زیر، حاصل مشاهدات نگارندگان در این مسیر حرکتی است.



تصویر ۱: محدوده تحت مطالعه (مأخذ: نگارندگان)

۱.۷. حریم راه

پهنای کوچه‌ها در مسیر مورد بررسی از حداقل حدود تعریف شده توسط فقه، کمتر نبود و معبری با اندازه‌ای کمتر از ۷ زراع (۳.۵ متر) ملاحظه نشد (تصویر ۲) و هیچ عنصری از خانه‌ها و سایر املاک شخصی به حریم کوچه تعدی نکرده بود؛ حتی در مواردی مدخل ورودی خانه‌ها نسبت به معبر، عقب رفتگی نیز داشتند (تصویر ۳). همچنین در بازارچه‌های موجود در محله، کمتر مشاهده می‌شود که مغازه‌داران، از فضای جلوی مغازه که متعلق به معبر عمومی است برای قرار دادن اجناس بهره بگیرند (تصویر ۴).

عمده معابر پهنه مورد بررسی، صرفاً برای عبور انسان تعبیه شده و خودروها حق عبور از آن‌ها را ندارند (تصویر ۵)، اما در برخی از معابر که عبور خودرو نیز بلامانع است، عدم تفکیک سواره‌رو و پیاده‌رو موجبات نقض حریم راه را فراهم آورده است.



تصویر ۳: وضعیت ورودی خانه‌ها نسبت به معبر (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲: عرض معابر (مأخذ: نگارندگان)

حجره‌های تجاری اطراف میدان خان نسبت به معبر اصلی، عقب نشستگی دارند که با این کار، به حفظ حریم معبر دور میدان کمک شده است.



تصویر ۵: عقب نشستگی حجره‌ها نسبت به معبر (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۴: رعایت حریم معبر عمومی توسط حجره‌داران (مأخذ: نگارندگان)

۲.۷. حریم خانه

در هیچ یک از معابر مورد بررسی، درب ورودی هیچ دو خانه‌ای روبه‌روی یک دیگر قرار نداشتند و از این جهت حریم بصری، کاملاً رعایت شده بود. خانه‌ها تقریباً همه، هم‌ارتفاع بودند و هیچ یک بر دیگری اشرافیتی نداشت که حریم بصری سایر خانه‌ها را نقض کند. هیچ پنجره و بازسویی هم رو به معبر وجود نداشت که بخواهد حریم بصری خانه را نقض کند و نقض‌کننده حریم سایر خانه‌ها باشد. فقط بعضاً منافذی جهت دریافت نور رو به معابر وجود داشت که اولاً بالاتر از سطح دید عابرین پیاده بود و ثانیاً با شبکه‌های چوبی جلوی آن پوشانده شده بود که حریم بصری خانه حفظ شود و به دلیل هم ترازای ارتفاع خانه‌ها، تهدیدی برای حریم سایر خانه‌ها نیز محسوب نمی‌شود (تصویر ۶).

عمده خانه‌های موجود در این بافت دارای الگوی هشتی به علاوه حیاط مرکزی هستند که از دید مستقیم از درب ورودی به داخل خانه جلوگیری می‌کند (تصویر ۷).

همچنین در داخل خانه‌ها نیز عمدتاً فضاهای عمومی و خصوصی طوری طراحی شده بود که به هم اشرافیتی نداشته باشند.



تصویر ۷: الگوی غالب حیاط مرکزی در محله
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۶: رعایت حریم بصری
خانه‌ها (مأخذ: نگارندگان)

به دلیل کمترین بهره‌گیری از منافذ رو به بیرون و هم چنین نحوه سازماندهی فضای باز و بسته در خانه‌ها به هیچ عنوان صدایی از داخل خانه به بیرون سرایت نمی‌کند. همچنین به دلیل بهره‌گیری از مصالحی همچون خشت و آجر و کاه‌گل که کمترین ضریب انتقال صوتی را داراست و همچنین ضخامت بالای جداره‌ها و نحوه استقرار فضاهای داخلی نسبت به هم، این حریم صوتی در قسمت‌های داخلی خانه نیز، به بهترین نحو رعایت می‌شود.

۳.۷. حریم مسجد و مناره

مسجیدی که نگارندگان در پهنه مورد بررسی با آن برخورد داشتند، مسجد ملا اسماعیل نام داشت که در تقاطع دو بازارچه قرار گرفته است. این مسجد دارای دو حیاط است که به صورت متوالی، پشت سر هم قرار گرفته‌اند. مسجد از نوع شبستان ستون‌دار است و متعلق به دوره قاجار. طبق وقف‌نامه مسجد، حیاط‌های مسجد جزو مسجد به حساب نمی‌آیند. همان‌طور که در قسمت مبانی نظری بیان شد حریم هر مسجد، از هر سمت ۴۰ ذراع است. حال با نگاهی به عکس‌های هوایی (تصویر ۸)، به بررسی رعایت حریم این مسجد پرداخته خواهد شد.



تصویر ۸: میزان رعایت حریم مسجد
(مأخذ: نگارندگان)

مطابق تصویر ۸ در ضلع شرقی و غربی و جنوبی مسجد، معابری وجود دارد و در همسایگی بلافصل ساختمان مسجد بنای دیگری وجود ندارد که نقض حریم مسجد کند؛ البته در ضلع شرقی و غربی مسجد حد مورد نظر شرع به طور کامل رعایت نشده و معابری به عرض ۶ متر، جدا کننده مسجد از اینه اطراف است. در ضلع شمالی هم با توجه به وجود دو حیاط بزرگ، این حریم به طور کامل رعایت شده است، هر چند که به آن اکتفا نشده و محوطه‌ای گسترده، در ضلع شمالی و و روبه‌روی ورودی مسجد، باز است.

داخل حیاط مسجد حجره‌هایی وجود دارد که از آن به عنوان محل استراحت طلاب علوم دینی استفاده می‌شود. ارتفاع این حجره‌ها یک طبقه است و به خارج از حیاط مسجد دید ندارد که ناقض حریم بصری منازل اطراف باشد. ساختمان مسجد نیز تفاوت ارتفاع محسوسی با بافت اطراف ندارد (تصویر ۹) و چون مسجد مناره ندارد و بازشویی هم به سمت اطراف ندارد، حافظ حریم بصری خانه‌های مجاور است.

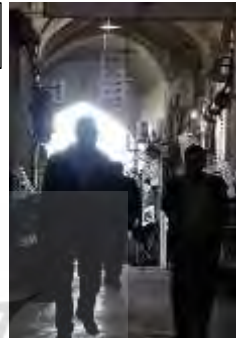
تصویر ۹: سردر مسجد و تطابق ارتفاع آن با اطراف



۴.۷. حریم انسان

همان طور که در قسمت مبانی نظری ذکر شد در نظر گرفتن تعداد استفاده‌کنندگان از هر فضا در طراحی فضا بسیار حائز اهمیت است، چرا که هر فرد حریمی معادل باع(دو وجب) در تابستان و شبر(یک وجب) در زمستان دارد. آنچه که در عرصه فضایی محل مورد بررسی مشاهده شد، نشانگر این بود که حریم شخصی افراد در فضاها رعایت می‌شود و تداخل جمعیتی در هیچ یک از عرصه‌ها، حتی بازارها(تصویر ۱۰) که از شلوغ‌ترین قسمت‌های هر منطقه‌ای هستند، مشاهده نشد. همچنین علاوه بر رعایت حد معین حریم، قاعده لاضرار نیز در این محدوده نقض نمی‌شد.

تصویر ۱۰: حریم فردی در راسته بازار(مأخذ: نگارندگان)



۵.۷. حریم عناصر طبیعی

با توجه به تعریف حریم درخت، این حریم مربوط به درختان دارای مالک و در زمین موات است که هیچ یک از موارد فوق در این بستر صدق نمی‌کند، اما مطلب قابل تأمل، توجه به این نکته است که حریم هر عنصر طبیعی هم زیست با انسان تا آنجایی است که مانع اضرار به آن عنصر شود، یعنی اگر موردی مشاهده شود که موجب تخریب و آلودگی این عناصر محسوب شود، نقض حریم آن‌ها به شمار می‌آید، که در مورد نوع درختان چنین موردی مشاهده نشد. در مورد آب نیز، چون در بافت سنتی یزد از قنات بهره‌گیری می‌شود و از زیر زمین عبور می‌کند، عامل مخل این عنصر هم مشاهده نشد. همچنان که در بالا ذکر شد عمده گذرهای این بافت به عابر پیاده تعلق دارد و کارگاه‌های تولیدی و کارخانه‌های آلاینده نیز جایگاهی در این محدوده ندارند، تنها عامل ناقض حریم هوا معدود خودروهایی هستند که در بافت تردد دارند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد با رویکردی متفاوت که کمتر به آن توجه شده است، آموزه‌های اسلام در حوزه معماری و شهرسازی و در مقوله خاص حریم که امروزه نقض آن در حوزه‌های مختلف موجبات ناراحتی بشر را فراهم آورده، مورد بررسی قرار داده شود. در این مسیر، حریم و انواع آن از منظر متون اسلامی شناسایی و بررسی شد و میزان تحقق هر یک از آن‌ها در بستر محیط در محله‌ای تاریخی مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است قاعده لاضرار و قاعده سبق نیز در محتوای عناصر محیطی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، چرا که جایگاه تحقق این دو قاعده نیز در نهایت ذیل یکی از مؤلفه‌های محیط خواهد بود، بنابراین ستون مجزایی در جدول انتهایی به این دو قاعده اختصاص پیدا نکرد. با بررسی‌های صورت پذیرفته معین شد که در محله مورد بررسی، غالب اصول حفظ حریم مدنظر اسلام رعایت شده و صرفاً در موارد معدودی این اصول نقض شده (جدول ۳)، که بخشی از آن نیز به دلیل نوع رفتارهای انسان امروزی و استفاده‌های وی از محیط است و نمی‌توان در این خصوص، قصوری را متوجه طراح محیط دانست، چرا که باتوجه به اینکه محله مورد بررسی کماکان به عنوان محله‌ای زنده و پویا در بستر شهر به حیات خود ادامه می‌دهد، پس اینکه افزایش جمعیت و تغییرات سبک زندگی انسان‌ها منجر به خلق محیطی شود که نقض حریم انسان‌ها در آن‌ها امری عادی محسوب شود و مانع استمرار خلق و استفاده چنین فضاهایی شود، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.





جدول (۳): مصادیق رعایت حریم از دیدگاه فقهی در محله خان بزد (مأخذ: نگارندگان)

حریم طبیعت	حریم انسان	حریم مسجد و مناره	حریم خانه		راه
			حریم صوتی	حریم بصری	
حفظ حریم آب یا کمک انتقال آب از طریق لوله‌ها	عدم ازدحام در سطح محله حتی در بازارها و بازارچه‌ها	رعایت کمال حریم مسجد در اوقات نماز و جشن آن و عدم رعایت کمال حریم در سوره نزل و غیره	کترین میزان مانده به دیوار	عدم وجود درب منازل دوروی هم	عرض معابر بیش از ۲ ذراع
حفظ حریم هوا از طریق کانی‌های غیر آلاینده	پشت‌نظاره محله	عدم وجود مناره که شکلی دوزخ‌سواره و پناه‌دار	نعمه سازه‌های فضایی از رعایت مرتب لوله‌های خاص سطح از رسیدن صوت بلای به دوروی مسجد شود	تراز ارتفاع یکسان آینه	عدم تعدی مانعاً و اسباب تخصص به معابر
	عدم مزاحمت حجره‌های برای عابری	رعایت ارتفاع مسجد و مناره با تراز ارتفاعی محله	مراعات حریم مناسبت	عدم وجود بناچه و پائین‌رو به معبر	دور نشینی دوروی منازل نسبت به کوچه
		هشترای ارتفاع مسجد با بالنت انوار محله	شکافت زیاد جدارها	مناظر نورگیر رو به معبر با تراز ارتفاعی بالاتر از قد انسان و داشتن سنگ چوب	عدم تعدی حجره داران به معبر و تراز
		عدم وجود بناچه و بناچه از سمت مسجد به دوروی		گازهای خطای مرکزی و فشی دوروی و عدم دید مستقیم از دوروی به داخل	طب‌تست‌کنی حجره‌های انوار میان خان نسبت به معبر اصلی یا کمک روان‌سازی دور معبران
				عدم انوار فضاهای عمومی خانه به فضاهای خصوصی	تفکیک حوزه سواره رو و پیاده رو در پیشتر معابر و عدم تفکیک در برخی معابر



منابع و مأخذ:

- قرآن کریم (ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای)
- نهج البلاغه (ترجمه سید جعفر شهیدی)
- ابن بابویه، محمد بن علی (۴۳۷ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ۲ و ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- اراکی، محسن (۱۳۹۴)، سلسله مباحث فقه عمران شهری، سایت: <https://mohsenaraki.ir/farsi>
- بمانیان، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۲)، «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه های ایرانی - اسلامی)»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۱، ش ۱۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعه، ج ۱ و ۲۵، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، مجموعه شانزده جلدی لغت نامه، ج ۶ و ۱۱، تهران: دانشگاه تهران.
- رئیسی، محمد منان (۱۳۹۷)، معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود)، قم: دانشگاه قم.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۵ق)، دلیل تحریر الوسيلة (احیاء الموات و اللقطة)، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، ج ۷، التحقیق السید حسن الخراسان، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۹)، تذکره الفقهاء، ج ۲ و ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۸)، الوافی، ج ۱۸، قم: عطر عطرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، ج ۲ و ۱، تهران: انتشارات اسوه.
- _____ (۱۳۶۵)، اصول کافی، ج ۷، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- _____ (بی تا)، اصول کافی، ج ۴، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ج ۸ و ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲ و ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، ج ۶، قم: دارالحکمه.
- مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، اصول سنتی ساخت و ساز، ترجمه ابوالفضل مشکینی، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مشکینی، علی (۱۴۳۴ق)، مصطلحات الفقه، قم: دار الحدیث.
- معلوف، لوئیس (۱۹۵۶م)، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، بیروت: المطبعه الکاثولیکیه.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، مجموعه دو جلدی فرهنگ فارسی، ج ۲ و ۱، تهران: آدنا کتاب راه نو.

- موسوی الخمينی، سید روح الله (۱۳۹۵)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۹۶)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۸، قم: دارالکتاب الاسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی